

**Saudi Arabia's cyber diplomacy with Iran on Twitter; Case study
of riots in January 2017**

Mohammad reza Borzooei *

Received: 2020/10/15

Amir reza Tamaddon **

Accepted: 2021/03/12

Reza Jahanbazi goojani ***

Abstract

In recent years, Saudi Arabia, as one of the influential countries in the region of Southwest Asia, has started a lot of activities in the cyber field; Saudi Arabia is taking advantage of this space to compete with its regional rivals, such as the Islamic Republic of Iran. One of the most important areas of this confrontation was the riots in Iran in January 2018, in which the dimensions of transnational interventions were not very clear at the beginning. But after a while, the dimensions of other countries' involvement in these events became clear and led us to examine the role of one of the important countries in this field. In other words, this study seeks to uncover the general principles of Saudi cyber diplomacy during the January 2018 protests against the Islamic Republic of Iran. This study intends to investigate Saudi Arabia's cyber diplomacy towards Iran using a qualitative method and using the theme analysis method. The research community in this study is the tweets sent by important Saudi institutions and users in January 2018. For this research, more than 2000 tweets were selected and reviewed. After starting the coding process according to the standards of content analysis method, more than 180 basic themes, 17 organizing themes and finally 5 comprehensive themes were obtained, which in fact are the themes that form the main axes of Saudi cyber diplomacy; The results of this study show that the emphasis on ethnic and regional divergences, regional violations of Iranian activism, the destruction of the Revolutionary Guards and the destruction of the ruling system in Iran, are the main axes of Saudi cyber diplomacy against the Islamic Republic of Iran.

Keywords: Cyber Diplomacy, Saudi Arabia, January 2018 riots, Twitter, Islamic Republic of Iran

* Assistant Professor and Faculty Member, Faculty of Islamic Education, Culture and Communication, Imam Sadegh University borzooei@isu.ac.ir

** PhD student in Culture and Communication, Imam Sadegh University

ar.tamaddon@isu.ac.ir

*** Master student of Culture and Communication, Imam Sadegh University

r.jahanbazi@isu.ac.ir

دوفصلنامه علمی دین و ارتباطات، مقاله پژوهشی، سال بیست و هشتم، شماره اول (پیاپی ۵۹)، بهار و تابستان ۱۴۰۰، صص ۳۳-۶۶

دیپلماسی سایبری عربستان سعودی در قبال ایران در بستر شبکه اجتماعی توئیتر؛

مطالعه موردی اغتشاشات دی ماه ۱۳۹۶

محمد رضا برزویی *

امیر رضا تمدن **

رضا جهانبازی گوجانی ***

چکیده

در سال‌های اخیر، عربستان سعودی به‌عنوان یکی از کشورهای اثرگذار در منطقه جنوب غرب آسیا، در حوزه سایبری فعالیت‌های زیادی را آغاز کرده است. عربستان از این فضا برای تقابل با رقبای منطقه‌ای خود همانند جمهوری اسلامی ایران بهره فراوانی می‌برد. یکی از مهمترین عرصه‌های این تقابل، اغتشاشات دی‌ماه سال ۱۳۹۶ در ایران بود که در آغاز ابعاد دخالت‌های فراملی در آن چندان روشن نبود؛ اما پس از گذشت اندکی، ابعاد دخالت سایر کشورها در این وقایع روشن شد و سبب شد تا به بررسی نقش یکی از کشورهای مهم در این زمینه بپردازیم. به بیان دیگر این پژوهش به دنبال آن است تا اصول کلی دیپلماسی سایبری عربستان در ایام اعتراضات دی‌ماه ۹۶ علیه جمهوری اسلامی ایران را کشف نماید. این پژوهش قصد دارد با روش کیفی و با استفاده از روش تحلیل مضمون (تم)، به بررسی دیپلماسی سایبری عربستان سعودی در قبال ایران بپردازد. جامعه تحقیق در این پژوهش، توییت‌های ارسال‌شده از سوی نهادها و کاربران مهم عربستانی در دی‌ماه سال ۹۶ است که برای این پژوهش، بیش از ۲۰۰۰ توییت انتخاب و مورد بررسی قرار گرفت. پس از آغاز فرآیند کدگذاری طبق استانداردهای روش تحلیل مضمون، بیش از ۱۸۰ مضمون پایه، ۱۷ مضمون سازمان‌دهنده و نهایتاً ۵ مضمون فراگیر به دست آمد که در واقع مضامین فراگیر، همان محورهای اصلی دیپلماسی سایبری عربستان را شکل می‌دهند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که تأکید بر واگرایی‌های قومی و منطقه‌ای، تخطئه کنشگری منطقه‌ای ایران، تخریب عملکرد سپاه پاسداران و تخریب نوع نظام حاکم در ایران، محورهای اصلی دیپلماسی سایبری عربستان علیه جمهوری اسلامی ایران را تشکیل می‌دهد.

واژگان کلیدی: دیپلماسی سایبری، عربستان سعودی، اغتشاشات دی‌ماه ۹۶، توئیتر، جمهوری اسلامی ایران.

* استادیار دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.

borzooei@isu.ac.ir

** دانشجوی دکتری معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام (نویسنده مسئول).

ar.tamaddon@isu.ac.ir

*** دانشجوی کارشناسی ارشد رشته معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام

r.jahanbazi@isu.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله

در سال‌های اخیر، استفاده از ظرفیت فضای مجازی در راستای اهداف فرهنگی و سیاسی کشورها، رونق ویژه‌ای یافته است. به طوری که دولت‌ها از فعالیت‌های سایبرنتیکی که در راستای اهداف آنهاست حمایت‌های ویژه‌ای را به عمل می‌آورند. در حال حاضر یکی از مهم‌ترین ابزارها در فضای سایبر، شبکه‌های اجتماعی است. شبکه‌های اجتماعی فارغ از تفاوت‌های زیادی که دارند در قدرت تأثیرگذاری و ضریب نفوذ مشترک بوده و به نظر می‌رسد گوی سبقت را از سایر ابزارهای ارتباطی در بسیاری از حوزه‌ها ربوده‌اند. در این میان، تعدادی از شبکه‌های اجتماعی در برخی کشورها پرطرفدارتر بوده و لذا از ضریب نفوذ بالاتری برخوردارند. بر اساس آمارهای رسمی، در میان شبکه‌های اجتماعی، شبکه اجتماعی توییتر در رتبه سوم جهان و دوم آسیا قرار دارد.^۱ همچنین بر اساس آمارهای رسمی در آوریل ۲۰۱۹، عربستان سعودی، چهارمین کشور جهان از نظر تعداد کاربران شبکه توییتر است. لذا بررسی این ابزار ارتباطی از نظر مکانیسم‌های ارتباطی و همچنین محتوایی، می‌تواند در شناخت بهتر این فضا و ظرفیت‌ها و تهدیدهای آن راهگشا باشد. در این پژوهش، نگارندگان قصد دارند شبکه اجتماعی توییتر را که در اغتشاشات دی‌ماه سال ۹۶ تأثیر زیادی در تصویرسازی و بازنمایی وقایع در رسانه‌های جهان ایفا نموده است، بررسی نمایند. با نگاه دقیق‌تر به هشتگ «تظاهرات - سراسری» در توییتر و شناسایی مبدأ انتشاردهندگان از سایت‌های معتبری همچون trendsmap مشخص می‌شود ۲۷ درصد از کسانی که این هشتگ را به اشتراک گذاشته‌اند از داخل خاک عربستان بوده‌اند. کاربران ایرانی با ۲۶ درصد، انگلیس با ۷ درصد و کاربران کشور فرانسه و آلمان نیز با ۵ درصد در رتبه‌های بعدی قرار دارند.^۲ حال این پژوهش قصد دارد کنشگری کاربران عربستان سعودی را در این واقعه بررسی نموده و به تحلیل محتوای پیام‌های ارتباطی آنها در بستر توییتر در ایام اغتشاشات دی‌ماه ۹۶ بپردازد. برای این کار، از یکی از مراکز داده، توییت‌های مربوط به آن ایام که از کشور عربستان ارسال شده بود، خریداری شد. ملاک انتخاب توییت‌ها، بر

1. <http://gs.statcounter.com/social-media-stats/all/asia>

2. <https://www.trendsmap.com/>

اساس تعداد بازتوییت^۱ و پسندیده شدن^۲ و تعداد دنبال‌کنندگان^۳ حساب توییتی بود و طبعاً توییت‌هایی که شاخص‌های مذکور در آن‌ها بالاتر بود در اولویت انتخاب قرار داشتند. پس از آن، با روش تحلیل مضمون کیفی، توییت‌ها مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته و مفاهیم حاصل از آنها، استخراج شده است.

همچنین در این پژوهش، از نظریه جامعه شبکه‌ای کاستلز و ساخت‌یابی اجتماعی واقعیت برای چارچوب نظری استفاده کرده‌ایم و آن را برای این پژوهش مناسب می‌دانیم؛ هرچند چارچوب‌های نظری دیگری همچون نظریات جریان‌سازی رسانه‌ای نیز می‌توانست به ما در این پژوهش کمک کند، اما به نظر می‌رسد نظریه جامعه شبکه‌ای کاستلز و ساخت‌یابی اجتماعی واقعیت بهتر می‌تواند از زاویه ارتباطات این رویداد مهم را تبیین نماید.

۱. پیشینه تحقیق

دیپلماسی سایبری حوزه نسبتاً جدیدی در ارتباطات و روابط بین‌الملل به شمار می‌رود؛ اما با این حال در این حوزه چند پژوهش تاکنون صورت گرفته است:

پژوهشی با عنوان «سایبر دیپلماسی در محیط هوشمند نوین رسانه‌ای» در سال ۹۲ توسط رها خرازی آذر صورت گرفته است. این پژوهش مدعی است که سایبر دیپلماسی از بسیاری جهات ساختاری است که در قرن ۲۱ این پتانسیل را دارد که شرایط آشتی میان ایدئالیسم و سیاست‌های واقع‌گرایانه سنتی را فراهم آورد. البته بسیاری از رهبران و مقامات رسمی هنوز با واقعیت‌های نوین ارتباطات جهانی و محیط هوشمند نوین رسانه‌ای تطبیق نیافته‌اند. کارشناسان سیاست خارجی، افسران اطلاعاتی، مأموران سرّی و دیپلمات‌ها بسیاری از کارکردهای سنتی خود را به روزنامه‌نگاران و رسانه‌ها واگذار کرده‌اند.

واقعیت این است که بدون حضور فعال در رسانه‌ها و محیط سایبر و هوشمند نوین رسانه‌ای، برنامه‌ها یا مقامات دیپلماتیک و سیاسی بختی برای کسب حمایت وسیع

1. Retweet
2. Favorite
3. Follower

ندارند. این پژوهش ضمن بررسی ضرورت‌ها، ظرفیت‌ها و منافع حاصل از کاربست سایر دیپلماسی، اعتقاد دارد که سایر دیپلماسی هر لحظه بیش‌ازپیش برای پیشروی سیاست خارجی و جریان‌های دیپلماتیک، غیرقابل‌اجتناب و حیاتی شده و توان آن را دارد که در طولانی‌مدت، به موقعیت کانونی و محوری در جعبه ابزار دیپلماسی دست یابد. پژوهش مذکور در محیط هوشمند نوین رسانه‌ای، به بررسی چالش‌های دیپلمات‌ها و دستگاه سیاست خارجی و دیپلماتیک کشورها در مواجهه با این نوع دیپلماسی می‌پردازد.

پژوهش دیگری در این زمینه در سال ۱۳۹۲ با عنوان «دیپلماسی سایبری آمریکا؛ مطالعه موردی جمهوری آذربایجان» توسط الهه کولایی، حسن شکاری و مسعود احمدی‌نیا انجام شده است. در چکیده این تحقیق آمده است: «بروز انقلاب فناوری در اواخر دهه ۸۰ میلادی، زمینه‌ساز تحولاتی شگرف در حوزه ارتباطات و رسانه گردید. رسانه‌های دیجیتال که حاصل این انقلاب فناوری بودند، زمینه‌های جدیدی را برای نقش‌آفرینی بازیگران غیردولتی و مردمی در عرصه روابط سیاسی و دیپلماتیک فراهم کردند. با شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی، وبلاگ‌نویسی و امکان اشتراک‌گذاری ویدئوها از طریق فضای مجازی، سیاست‌گذاران آمریکایی به این نتیجه رسیدند که از این فناوری‌ها در راستای تأمین اهداف سیاست خارجی و دیپلماسی خود استفاده کنند. انتخاب باراک اوباما و تأکید او بر قدرت نرم آمریکا، توجه آمریکایی‌ها را به استفاده از ظرفیت این ابزار در ترمیم چهره بین‌المللی آمریکا و همچنین حمایت از نیروهای همسو با آمریکا در سراسر جهان پیش راند. جمهوری آذربایجان از یک‌سو به دلیل داشتن منابع انرژی فسیلی از اهمیت استراتژیک بالایی در سیاست اوراسیایی آمریکا برخوردار است. از سوی دیگر، جمعیت جوان و علاقه‌مند به شبکه‌های اجتماعی دارد که نقش مهمی در دیپلماسی سایبری آمریکا ایفا می‌کنند. باتوجه‌به آنچه گفته شد، سعی نویسندگان بر آن است که به این سؤال اساسی پاسخ دهند که جنبه‌ها و جهت‌گیری‌های کلی دیپلماسی سایبری آمریکا چه هستند و چگونه در جمهوری آذربایجان به اجرا گذاشته می‌شوند؟»

اما آخرین پژوهش مرتبط با موضوع این تحقیق که به آن دسترسی یافتیم، پژوهشی است که در سال ۱۳۹۵ توسط سید فضل‌الله قاضوی، صادق زیباکلام و سیدوحید عقیلی با عنوان «نقش فضای سایبری در پیشبرد دیپلماسی عمومی مدرن» انجام شده است. این پژوهش به بررسی نقش فضای سایبری در پیشبرد دیپلماسی عمومی مدرن می‌پردازد. این تحقیق برحسب دستاوردها و نتایج از نوع کاربردی بوده و با توجه به اهداف از نوع توصیفی - پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش، اساتید مرتبط در حوزه علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و ارتباطات از دانشگاه‌های معتبر شهر تهران هستند. بر اساس نتایج به دست آمده از این پژوهش نتیجه گرفته شد که فضای مجازی از طریق تأثیر بر ابعاد توسعه سیاسی کشور با مکانیزم‌هایی نظیر گسترش ابراز نظرات سیاسی، آگاهی‌بخشی نسبت به جریان‌های سیاسی، تبلیغ و معرفی احزاب خاص و غنی کردن گسترش رقابت‌های سیاسی و جناحی و همچنین زمینه و بستری برای کمک به دیپلماسی می‌تواند اثرات مهمی بر دیپلماسی عمومی مدرن ایجاد نماید.

بررسی اجمالی پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه نشان می‌دهد که اولاً این موضوع حداقل در ایران دارای تازگی بوده و آن‌چنان‌که شایسته است بدان توجه نشده است. از سوی دیگر، این پژوهش به دنبال کشف عناصر و محورهای دیپلماسی عربستان سعودی در فضای سایبری در قبال جمهوری اسلامی ایران است و این موضوع هم از جهت پرداختن به توییت‌ها و هم از جهت تمرکز بر دیپلماسی سایبری عربستان دارای نوآوری و ابتکار است. امید است این پژوهش بتواند گامی - هرچند کوچک - در راستای غنای علمی این حوزه بردارد.

۲. ادبیات پژوهش

۲-۱. تعریف مفاهیم پژوهش

مفهوم دیپلماسی همانند بسیاری از مفاهیم دیگر علوم انسانی، تعریف واحدی که مورد اتفاق همگان باشد، ندارد. چراکه در هر تعریف به جنبه‌ای از مفهوم دیپلماسی تأکید شده و برخی جنبه‌های دیگر آن کمتر اهمیت یافته است؛ اما با وجود این، اکثر تعاریف موجود به مجموعه‌ای از عناصر مشترک در دیپلماسی عمومی اشاره دارند. غالب

محققان در این حوزه، سابقه کاربرد واژه دیپلماسی عمومی را به سال ۱۹۶۵ بازمی‌گردانند. چراکه در این سال، ادموند گولیون^۱، رئیس دانشکده حقوق و دیپلماسی فلچر^۲، مرکز دیپلماسی عمومی ادوارد مورو^۳ را بنا نهاد (ولف و روزن، ۱۳۸۴، ص. ۹۴؛ حسینی، ۱۳۸۴، ص. ۶۲).

اما نیکولاس کال^۴ در مقاله‌ای با عنوان "دیپلماسی عمومی قبل از گولیون" هرچند به تلاش‌های علمی گولیون در راستای ترویج این اصطلاح احترام می‌گذارد؛ اما سابقه کاربرد این واژه با معنای امروزی‌اش را به سال ۱۸۵۶ برمی‌گرداند که در آن سال، روزنامه تایمز در یک نوشتار انتقادی، از این واژه استفاده نموده است^۵ (کال، ۱۳۹۵، ص. ۸۸).

نوشتار حاضر، به بررسی دیپلماسی عمومی و مشخصاً به یکی از مهمترین اقسام آن یعنی دیپلماسی سایبری می‌پردازد. البته دیپلماسی در معنای سنتی آن شامل تعاملاتی است که بین حکومت‌ها و دولت‌ها جریان می‌یابد. مجریان دیپلماسی سنتی از طریق رابطه با نمایندگان رسمی دولت‌های خارجی می‌کوشند تا منافع ملی کشور خود را که در چارچوب اهداف راهبردی دولت متبوعشان در امور بین‌المللی تعریف شده است، تأمین کنند (بختیاری، ۱۳۹۰، ص. ۲۱۴).

اما به‌هرروی، دیپلماسی عمومی در عصر حاضر، دستخوش دگرگونی‌هایی به‌لحاظ مفهومی و مصداقی گردیده و بدیهی است در تعریف دیپلماسی، باید به آن تغییرات و دگرگونی‌ها توجه کرد؛ چراکه در سال‌های اخیر، بسیاری از اندیشمندان این حوزه به دیپلماسی عمومی به معنای رسمی و دولتی آن کمتر پرداخته و بر جنبه عمومیت و مردمی بودن آن تأکید بیشتری دارند.

با گذشت زمان و ایجاد تحولات در زمینه ارتباطات و اطلاعات، دیپلماسی عمومی نیز متحول شده است و تحت دو عنوان «دیپلماسی عمومی مدرن» و

1. Edmund Gullion
2. Fletcher School of Law and Diplomacy
3. Edward R. Murrow Center for Public Diplomacy
4. Nicholas J. Cull
5. Nicholas J. Cull: "Public Diplomacy before Gullion: the Evolution of a Phrase", 2008, available at: <http://uscpublicdiplomacy.org/index.php>

«دپلماسی عمومی سنتی» مطرح می‌شود. دپلماسی عمومی مدرن بیش از هر عاملی، تحت تأثیر رسانه‌های جدید ارتباطی قرار دارد. موج جدید اختراعاتی که می‌توان تجلی آن را در وب ۲ مشاهده کرد، در مدت بسیار کوتاهی، ماهیت بسیاری از مسائل سیاسی و دفاعی را متحول کرده است. تا قبل از پیدایش رسانه‌های جدید، کشورهای مختلف به تناسب توانایی، آموزه‌ها و راهبردهای سیاسی-نظامی خود، از دپلماسی عمومی سنتی استفاده می‌کردند، اما در رسانه‌های جدید نیز انقلابی رخ داد که ماهیت خود آن‌ها و به تبع، دپلماسی عمومی سنتی را متحول کرد (زیباکلام، ۱۳۹۵، ص. ۱۰۸).

همان‌طور که از تعاریف فوق‌الذکر پیداست در سال‌های اخیر دپلماسی عمومی نوین در مقایسه با دپلماسی رسمی و سنتی، اهمیت بیشتری یافته و در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست خارجی کشورها به‌ویژه کشورهای بیشتر توسعه‌یافته، نقش پررنگی یافته است.^۱ دپلماسی عمومی نوین بر اساس این فرضیه عمل می‌کند که افراد بیشتری به شرکت در جریان‌های سیاسی گرایش پیدا کرده‌اند. دپلماسی عمومی نوین مبتنی بر ارتباطی راهبردی است که در آن ارزیابی علمی افکار عمومی و فنون متقاعدسازی به چشم می‌خورد. دپلماسی عمومی نوین در محیط شبکه‌ای عمل می‌کند به گونه‌ای که مردم فعالانه در دادن و گرفتن پیام مشارکت می‌کنند (پورحسین، ۱۳۹۰، ص. ۱۳۷).

در این محیط هوشمند نوین رسانه‌ای، اشتیاق مردم برای مشارکت در تولید اخبار به وضوح دیده می‌شود. این اشتیاق به حمایت و پرورش نیاز دارد. همچنین لازم است روحی به این مطالب دمیده شود و منطق بر ارتباط مطالب حاکم شود. با افزایش تقاضای افکار عمومی برای حضور در صحنه سیاست‌گذاری، تلاش وزیران امور خارجه برای آموزش افکار عمومی در خصوص تعهد به موضوعات بین‌المللی و

۱. برای اطلاعات بیشتر، ر.ک: خانی، محمدحسین (۱۳۸۴). دپلماسی فرهنگی و جایگاه آن در سیاست خارجی کشورها.

عمل به این تعهدات، اهمیت بیشتری خواهد یافت. همین نکته وزیران امور خارجه و دولت‌های آن‌ها را ملزم می‌کند که از مدل یک سویه ارتباطات فرد با همگان (One - Many) خود به مدلی با حضور بازیگران بی‌شمار و مبتنی بر ارتباطات متعامل فرد با فرد (One - To - One) تغییر شکل دهند (Smith, 1997, p. 186). بنابراین مطلوب برای سیاست‌مداران و دستگاه‌های دیپلماسی آن است که خواسته‌ها و اهداف دیپلماتیک خود را از زبان مردم پیگیری و محقق سازند تا هم تأثیر بیشتری بر جامعه هدف گذاشته و هم هزینه‌های کمتری را متحمل شوند. چراکه در بسیاری از مواقع، بیان یک مطلب توسط یک مسئول سیاسی، می‌تواند تبعات نامطلوبی برای وی داشته باشد؛ اما در دیپلماسی مردم محور، اساساً این تبعات یا وجود ندارد یا به حداقل می‌رسد.

دیپلماسی عمومی، با توجه به بستری که در آن تحقق می‌یابد، اقسامی پیدا می‌کند؛ به بیان دیگر، سخت‌افزاری که از طریق آن دیپلماسی عمومی اعمال می‌شود، آشکال جدیدی از دیپلماسی را پدید آورده است؛ از جمله دیپلماسی رسانه‌ای، دیپلماسی ورزشی، دیپلماسی سایبری، دیپلماسی گردشگری، دیپلماسی آموزشی و... به دلیل تحولات فناوری‌های ارتباطی در دنیا و اهمیت یافتن مضاعف فضای مجازی در ارتباطات و به ویژه ارتباطات میان فرهنگی، نوشتار حاضر قصد دارد تا از میان اقسام دیپلماسی، به کندوکاو در حوزه دیپلماسی سایبری بپردازد.

منطق دیپلماسی سایبری منطقی سه‌وجهی است: ابتدا اعتمادسازی و حرکت بر روی موج افکار عمومی جهانی در جهت تأمین منافع ملی کشور؛ دوم، استناد به مردم و تسهیل ارتباط با افکار عمومی و نخبگان جهانی و سوم، ایجاد تسهیلاتی که به کمک آن‌ها دستیابی به منافع ملی میسر شود (خرازی آذر، ۱۳۹۰، ص. ۶۳). گونه نوین دیپلماسی عمومی بیش از هر عاملی متأثر از رسانه‌های جدید ارتباطی است (زورق، ۱۳۸۶، ص. ۱۳۲). با افزایش دسترسی به اطلاعات و نیز افزایش سرعت انتقال اطلاعات، توانایی دولت‌ها برای ترویج دیدگاه‌های خود به افکار عمومی خارجی به ویژگی اصلی دیپلماسی تبدیل شده است (Hindell, 1995, P. 73).

اما همان‌طور که واضح است، دیپلماسی سایبری پیوندی ماهوی با فضای مجازی دارد و اساساً در بستر فضای مجازی معنا پیدا می‌کند؛ در رابطه با تبیین فضای مجازی،

تعاریف مختلفی ارائه شده است. به نظر می‌رسد تعریف جامع و کامل از فضای مجازی و سایبری این تعریف باشد: «فضای مجازی، محیط الکترونیکی واقعی است که ارتباطات انسانی به شیوه‌ای سریع و واقعی، فراتر از مرزهای جغرافیایی و با ابزار خاص خود، در آن زنده و مستقیم روی می‌دهد» (حسن‌زاده، ۱۳۹۴، ص. ۴۴).

واژه «سایبر» به فناوری رایانه و الکترونیک محور اشاره دارد. فضای سایبر نیز یک قلمرو عملیاتی تنظیم‌شده به وسیله استفاده از علم الکترونیک است تا اطلاعات را از طریق سیستم‌های به هم پیوسته و زیرساخت‌های مرتبط با آن مورد بهره‌برداری قرار دهد (حسن‌زاده، ۱۳۹۴، ص. ۴۵).

همچنین اصطلاح فضای مجازی را می‌توان برای توصیف تمام انواع منابع اطلاعاتی موجود شده از طریق شبکه‌های رایانه‌ای به کار برد. در حقیقت فضای مجازی نوع متفاوتی از واقعیت مجازی و دیجیتالی است که توسط شبکه‌های رایانه‌ای هم‌پیوند تأمین می‌شود که با اندکی مسامحه می‌توان آن را مترادف با شبکه جهانی اینترنت دانست (ایزدی‌فرد و حسین‌نژاد، ۱۳۹۵، ص. ۳۳).

بنابراین، دیپلماسی سایبری در ساده‌ترین تعریف آن، استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی روز برای تبیین، گسترش و ارتقای سطح اثربخشی دستگاه دیپلماسی یک کشور در فضای مجازی است (کولایی و دیگران، ۱۳۹۲، ص. ۸۵). دیپلماسی سایبری، ابتکارها در فناوری اطلاعاتی و ارتباطی را با دیپلماسی مربوط می‌کند و به عنوان بخشی از دیپلماسی عمومی^۱ نسخه دوم، دیپلماسی عمومی الکترونیک^۲ و دیپلماسی مجازی^۳ شناخته می‌شود (Olesya, 2006, p. 11).

بنابراین در این پژوهش، دیپلماسی سایبری، اقدام در جهت تحقق اهداف دیپلماسی کلان یک کشور توسط ارتباط‌گران رسمی یا غیررسمی در بستر فضای مجازی و با استفاده از فناوری‌های نوین ارتباطی همچون شبکه‌های اجتماعی تعریف می‌شود.

-
1. Public Diplomacy
 2. E-Diplomacy
 3. Virtual Diplomacy

۳. چارچوب مفهومی

عصر رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی مجازی که گونه‌ای از وب ۲ محسوب می‌شوند، عصری است که به تعبیر لیوتار «عرصه حاکمیت و سلطه اطلاعات» شده است (Lyotard, 1971, p. 52). عصر اطلاعات، عصری که به تعبیر بودریار «واقعیتی که درک می‌شود، همواره مجازی است» (بودریار، ۱۳۸۱، ص. ۱۱۲). رسانه‌های اجتماعی مجازی، امکان کنشگری و فعالیت بلاواسطه را برای کنشگران غیردولتی و فردی تسهیل کرده است و افراد از آنها برای شکل‌دهی به ساختارهای اجتماعی و سیاسی خود استفاده می‌کنند؛ بنابراین رسانه‌های اجتماعی مجازی به‌عنوان یک رسانه پست‌مدرن، تداعی‌گر مرگ فاصله‌ها در جغرافیای ذهنی است. انسان امروز بر مکان و زمان غلبه یافته است، صداهایی که شنیده نمی‌شدند حالا شنیده می‌شوند و آن تمرکزگرایی شدید در رسانه‌های حاکم سنتی با تمرکززدایی شدیدتری در رسانه‌های دیجیتال و پست‌مدرن به چالش کشیده شده است. در نوشتار حاضر، نظریه جامعه شبکه‌ای کاستلز و همچنین نظریه ساخت اجتماعی واقعیت را به‌عنوان چارچوب نظری پژوهش انتخاب کرده‌ایم و مبنای تئوریک مقاله بر اساس این دو نظریه تنظیم شده است.

۳-۱. نظریه جامعه شبکه‌ای کاستلز

مانوئل کاستلز (۱۳۸۰)، شبکه را مجموعه‌ای از نقاط اتصال یا گره‌های بهم‌پیوسته تعریف می‌کند. از نظر کاستلز، شبکه‌ها ریخت اجتماعی جدید جوامع ما را تشکیل می‌دهند و گسترش منطق شبکه‌ای تغییرات چشمگیری در عملیات و نتایج فرایندهای تولید، تجزیه، قدرت و فرهنگ ایجاد می‌کند. شبکه‌ها ساختارهایی باز هستند که می‌تواند بدون محدودیتی گسترش یابند و نقاط شاخص جدیدی را در درون خود پذیرا شوند (مهدی‌زاده، ۱۳۹۱، ص. ۳۱۸). کاستلز با تأکید بر تغییراتی که فناوری‌های نوین ارتباطات و اطلاعات پدید آورده است، قدرت و حوزه کارکرد شبکه‌ها را در قالب «نظریه جامعه شبکه‌ای» تحلیل می‌کند. او در تعریف جامعه شبکه‌ای از منطق شبکه و آثار اجتماعی آن آغاز می‌کند که در آن «قدرت جریان‌ها» از جریان‌های قدرت پیشی می‌گیرد. غیبت یا حضور در شبکه و پویایی هر شبکه در برابر دیگر شبکه‌ها،

منابع حیاتی سلطه و تغییر در جامعه ما هستند. جامعه‌ای که به این ترتیب می‌توان آن را به درستی جامعه شبکه‌ای نامید که ویژگی آن برتری ریخت اجتماعی بر کنش اجتماعی است (کاستلز، ۱۳۸۴، ص. ۵۴).

فناوری اطلاعات توان آدمی را در غلبه بر محدودیت‌های مکانی و زمانی افزایش می‌دهد. در تحلیل مکان، کاستلز اعتقاد دارد که ما از فضاها قدیمی ایستای یکنواخت با هویت ثابت و کار ویژه تک‌بعدی خارج شده و وارد فضای جریان‌ها شده‌ایم (کاستلز، ۱۳۸۰، صص. ۴۸۳-۴۷۵).

کاستلز با اشاره به برساخت هویت مقاومت در جامعه شبکه‌ای که هم ناشی از ارتباطات است و هم متکی به آن از مفهوم جدیدی به نام «ارتباط جمعی خودانگیز»^۱ یاد می‌کند؛ مفهومی که ناشی از توسعه شبکه‌های افقی و تعاملی در ارتباطات است. ارتباطاتی که به لحاظ اجتماعی در پیوند با جریان‌های مقاومت است. تمایل روزافزون رسانه‌های مشارکتی به صورت‌های اینترنتی ارتباط در واقع بیانگر پیدایش شکل جدیدی از ارتباطات اجتماعی شده است. ارتباط جمعی خودانگیز نوعی ارتباط جمعی است که با استفاده از شبکه‌های رایانه به رایانه و ارتباط اینترنتی پیام خود را به انبوهی از مخاطبان بالقوه می‌رساند. این نوع جدید از ارتباطات همچنین «چند-مدلی» است؛ زیرا محتوای آن دیجیتالی است و به همین دلیل می‌توان آن را به هر صورت دلخواه درآورد و از طریق شبکه‌های بی‌سیم پخش کرد. علاوه بر دو ویژگی بالا ارتباطات خودگزین در محتوا «خود-تولید»^۲، در پخش «خود-گردان»^۳ و در دریافت توسط جمع «خود-انتخاب»^۴ می‌شود (Castells, 2007). به باور کاستلز ارتباطات خودگزین به پیدایش رسانه‌ای خارق‌العاده برای جنبش‌های اجتماعی و جریان‌های اعتراضی منجر می‌شوند تا به واسطه آن به استقلال دست یابند و در مقابل نهادهای جامعه با روش‌های خود بایستند (Ibid).

-
1. Mass Self-Communication
 2. Self-Generated
 3. Self-Directed
 4. Self-Selected

۲-۳. نظریه ساخت اجتماعی واقعیت

نظریه ساخت‌یابی اجتماعی واقعیت از جمله نظریه‌های مهم علوم ارتباطات اجتماعی است که می‌توان درباره موضوع تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی از آن استفاده کرد. طبق نظریه ساخت اجتماعی واقعیت، مردم واقعیت را بر اساس آگاهی فردی خویش و نیز آگاهی به‌دست‌آمده از تعاملات اجتماعی با دیگران می‌سازند. در این رویکرد، دانش و آگاهی چیزی نیست که کشف شود، بلکه چیزی است که ساخته می‌شود. افراد معرفتی را که بر مبنای آن، واقعیت اجتماعی خویش را بنیان می‌نهند از چهار منبع اخذ می‌کنند. تجربه شخصی، همسالان، نهادها اجتماعی و رسانه اجتماعی. رسانه‌ها در میان منابع معرفت، نقش کلیدی دارند (مهدی‌زاده، ۱۳۹۳، ص. ۸۴).

نظریه ساخت اجتماعی واقعیت دو ویژگی دارد:

❖ رسانه‌ها صورت‌بندی‌های اجتماعی و حتی خود تاریخ را از رهگذر چارچوب‌سازی ایماژها و تصاویر از واقعیت در قالب اخبار و گزارش‌های خبری و در شیوه‌های قابل پیش‌بینی می‌سازند.

❖ مردم به‌عنوان مخاطب، نقطه‌نظرشان درباره واقعیت اجتماعی و جایگاهشان در آن واقعیت را در تعامل با ساخت‌های نمادین رسانه‌ای شکل می‌دهند. این نظریه هم به قدرت رسانه‌ها و هم به قدرت مخاطب برای انتخاب بر اساس مذاکره مداوم بین آنها باور دارد (مک‌کوئیل، ۲۰۰۶، ص. ۶۱).

با استفاده از نظریه ساخت اجتماعی واقعیت می‌توان استنباط کرد که هرچه کاربران به فعالیت بازتابانه و مشارکت‌جویانه در شبکه‌های اجتماعی بپردازند، بیشتر در تولید معنا سهیم می‌شوند و از همین رو احتمال تأثیرپذیری آنان بیشتر است؛ اما هرچه اندازه کاربر منفعل و غیر مشارکت‌جویانه در شبکه‌های اجتماعی حضور یابند بیشتر در بازتولید معنا سهم دارند و احتمال تأثیرپذیری آنها کمتر است (فرامرزی و همکاران، ۱۳۹۵، ص. ۱۱۶).

بر اساس نظریه ساخت اجتماعی واقعیت، افراد بخش کوچکی از رویدادهای جهان را از طریق ارتباطات رودررو کسب می‌کنند و بخش بسیار بزرگی از واقعیت و آگاهی

فردی را از طریق تعامل با رسانه‌ها به‌خصوص شبکه‌های مجازی مانند توئیتر به‌دست می‌آورند و این خود می‌طلبد که ما نسبت به رسانه‌های و به‌خصوص شبکه‌های اجتماعی که فرهنگ و افکار ما را شکل می‌دهند توجه و تمرکز بیشتری داشته باشیم. بنابراین بر اساس دو نظریه یادشده، این پژوهش به دنبال آن است تا نشان دهد چگونه آگاهی و شناخت کاربران توئیتر از اغتشاشات دی‌ماه ۹۶ تحت تأثیر پیام‌های ارتباطی کاربران عربستانی قرار می‌گرفت و از آن‌سو به دلیل خصلت جامعه شبکه‌ای، چگونه قدرت جریان‌سازی در فضای مجازی در موضوع مورد اشاره، از جریان‌های مسلط و رسمی خبری پیشی گرفته است.

۴. روش پژوهش

رویکرد تحقیق در نوشتار حاضر، رویکرد کیفی است؛ رویکردهای کیفی بسیار متنوع، پیچیده و ظریف هستند و یکی از روش‌های ساده و کارآمد تحلیل کیفی، تحلیل مضمون است. تحلیل مضمون^۱ نخستین روش تحلیل کیفی است که محققان باید فراگیرند، زیرا این روش مهارت‌های اصلی که برای اجرای بسیاری از روش‌های دیگر تحلیل کیفی لازم است را فراهم می‌آورد (Braun & Clarke, 2006, p. 78). تحلیل مضمون روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش فرآیندی برای تحلیل داده‌های متنی است که داده‌های پراکنده و تحلیل‌های متنوع را به داده‌هایی منسجم و تفصیلی تبدیل می‌کند.

تحلیل مضمون روشی است که هم برای بیان واقعیت و هم برای تبیین آن به کار می‌رود و برخلاف سایر روش‌های کیفی مانند تحلیل گفتمان، تحلیل محتوا، روش تحلیلی پدیدارشناسی تفسیری، نظریه داده بنیاد و ... به چارچوب نظری خاصی وابسته نیست و از آن می‌توان در چارچوب‌های نظری متفاوت و برای امور مختلف، استفاده کرد (Braun & Clarke, 2006). لذا از آنجایی که پژوهش حاضر به دنبال تحلیل مضامینی است که در متن توئیتهای مخابره شده و در واقع جنس داده‌ها متنی و کیفی است و ازسوی دیگر پژوهشی اکتشافی است، در آن از روش تحلیل مضمون جهت

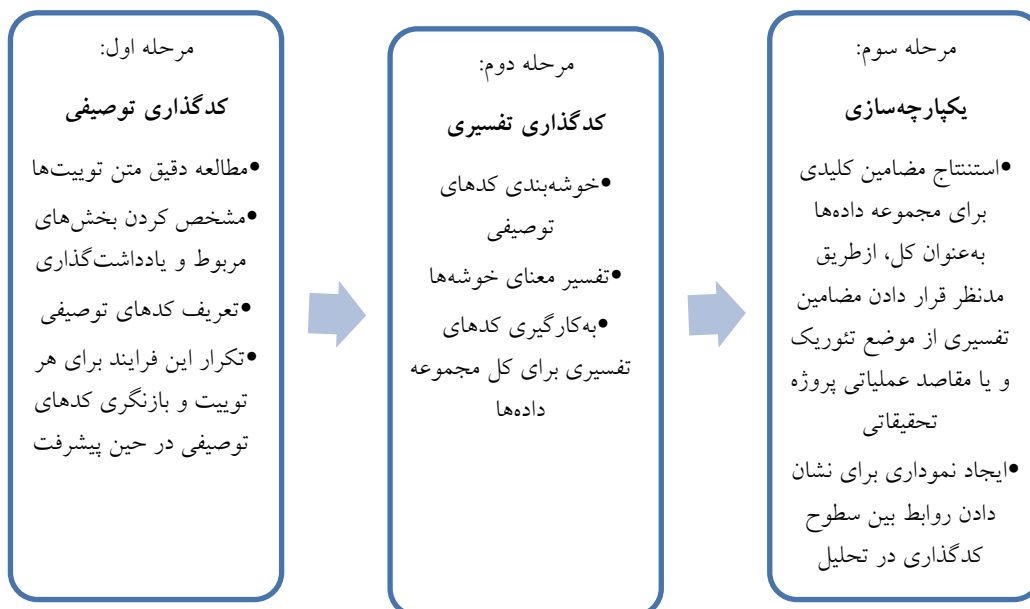
تحلیل داده‌ها استفاده خواهد شد. همچنین، باتوجه به اینکه در این پژوهش هر توییت دارای تمی خاص است و نگارندگان به دنبال آن هستند تا مضمون هر توییت را فارغ از دلالت‌های فرامتنی آن بررسی نمایند، روش تحلیل تم بهترین روش برای این تحقیق به نظر می‌رسد. شناخت مضمون یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین کارها در تحقیقات کیفی است و به عبارتی، قلب تحلیل مضمون است. واژه «مضمون» به‌طور ضمنی و تا حدی، مبین «تکرار» است؛ لذا مسئله‌ای را که صرفاً یک‌بار در متن داده‌ها ظاهر شود، نمی‌توان مضمون به حساب آورد (مگر آنکه نقش برجسته و مهمی در تحلیل نهایی داده‌ها داشته باشد). به‌طور معمول تکرار به معنی مشاهده و ظاهر شدن در دو یا چند مورد در متن است. باتوجه به تنوع روش‌های به‌کاررفته در تحلیل مضمون و تنوع دیدگاه صاحب‌نظران، عناوین و طبقه‌بندی‌های متفاوتی برای مضامین وجود دارد. برخی پژوهشگران، مضامین را به‌لحاظ ماهیت و برخی دیگر از نظر جایگاه و سلسله‌مراتب آنها در تحلیل مضمون دسته‌بندی کرده‌اند.

اما در این پژوهش، مبنای تقسیم‌بندی بر اساس جایگاه مضمون در شبکه مضامین خواهد بود. این تقسیم‌بندی که مستنبط از نظریه اترید و استرلینگ است، سه سطح مضمون خواهد داشت:

جدول ۱. دسته‌بندی انواع مضامین پژوهش

Attride stirling 2001	فراگیر: در کانون شبکه مضامین قرار می‌گیرد.	فراگیر	جایگاه مضمون در شبکه مضامین
	سازمان‌دهنده: واسط مضامین فراگیر و پایه شبکه است.	سازمان‌دهنده	
	پایه: مبین نکته مهمی در متن است و با ترکیب آنها، مضمون سازمان‌دهنده ایجاد می‌شود.	پایه	

همان‌طور که در جدول فوق هم اشاره شده است، فرآیندی سه مرحله‌ای برای تحلیل مضمون ارائه شده که در این پژوهش نیز از این فرآیند استفاده می‌شود. این فرآیند شامل سه مرحله کدگذاری توصیفی (پایه)، کدگذاری تفسیری (سازمان‌دهنده) و یکپارچه‌سازی از طریق مضامین فراگیر می‌باشد که در ادامه تشریح می‌گردد.



نمودار ۱. فرآیند سه مرحله‌ای تحلیل مضمون

یک نکته اساسی در کدگذاری مضامین این است که مراحل سه‌گانه کدگذاری توصیفی و تفسیری به‌صورت متداخل انجام می‌گیرند؛ بدین معنا که این‌گونه نیست که ابتدا کلیه کدها در تمامی مصاحبه‌ها به‌صورت توصیفی کدگذاری شده و پس از اتمام کدگذاری توصیفی تمام مصاحبه‌ها، کدگذاری تفسیری آغاز شود، بلکه با تولید تعدادی کدهای توصیفی، مقایسه مستمر آنها، محقق به کدهای تفسیری رهنمون می‌شود و بدین ترتیب رفته‌رفته مجموعه خوشه‌ها کامل و کامل‌تر گردیده و با تفسیر و خوشه‌بندی آنها در یک سطح بالاتر، مضامین فراگیر ظهور خواهند یافت.

۵. یافته‌های پژوهش

در این پژوهش، کار از شناسایی توییت‌هایی با هشتگ «مُظَاهرات ایران» آغاز شد. برای این کار، از یکی از مراکز خرید و فروش داده، توییت‌های مربوط به ایام اغتشاشات در دی‌ماه ۱۳۹۶ که از کشور عربستان ارسال شده بود، خریداری شد. شایان ذکر است که

بیشتر توییت‌های ارسال‌شده دارای لوکیشن (موقعیت مکانی) بود و در این تحقیق، توییت‌هایی که از کشور عربستان فرستاده شده بود مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفته‌اند. ملاک انتخاب توییت‌ها، میزان دیده شدن توییت‌ها بر اساس تعداد لایک (فیو) و تعداد دنبال‌کننده‌ها (فالور) بود و طبعاً توییت‌هایی که بیشترین لایک و فالور را داشتند به دلیل اهمیت بیشتر در اولویت انتخاب قرار گرفتند.

براین اساس، بیش از ۲۰۰۰ توییت عربی در بازه زمانی هشتم لغایت هفدهم دی‌ماه سال ۱۳۹۶ شناسایی شد که دارای هشتگ «مُظاهرات - ایران» و یا «تظاهرات - سراسری» بود که اصل در شناسایی توییت‌ها، هشتگ اول بود. پس از مطالعه دو هزار توییت، تعداد ۱۸۰ توییت که ارتباط بیشتری با موضوع تحقیق داشته و همچنین از سوی افراد یا نهادهای معتبر و مشهورتری ارسال شده بودند جدا شده و مورد تحلیل قرار گرفت.

در مرحله اول کدگذاری به روش تحلیل مضمون که در واقع همان کدگذاری توصیفی است، حدود ۴۰۰ مضمون پایه استخراج شد که به دلیل محدودیت‌ها در اینجا از آوردن عینی آنها خودداری می‌کنیم.

در گام دوم، از میان ۴۰۰ مضمون پایه استخراج‌شده در مرحله قبل با همان تکنیک‌ها و نکات مطرح‌شده در قسمت بیان روش به ۱۷ مضمون سازمان‌دهنده دست‌یافتیم که در اینجا به دلیل اهمیت مضامین سازمان‌دهنده که مضامین تفسیری هم نامیده می‌شوند، آنها را عیناً نقل می‌کنیم:

جدول ۲. مضامین سازمان‌دهنده

ردیف	مضمون سازمان‌دهنده
۱	همدردی مردم کشورهای عربی با ملت مظلوم ایران
۲	تظاهرات در شهرهای منتسب به حاکمیت و سران نظام
۳	قیام اهل سنت علیه حکومت در شهرهای مرزی
۴	ضرورت توقف حمایت مالی از متحدان منطقه‌ای ایران
۵	شدت اغتشاشات در اهواز
۶	ناآرامی در میان اقلیت‌های قومیتی در کشور

تصرف مناطق حیاتی کشور توسط معترضان	۷
پیوستن نیروهای امنیتی به صف اغتشاشات مردمی	۸
تخریب شخصیت و جایگاه رهبر انقلاب اسلامی	۹
تخریب جایگاه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی	۱۰
ضرورت ورود نهادهای بین‌المللی به مسئله اغتشاشات در ایران	۱۱
انتقاد از عملکرد حکومت قطر در مواجهه با اغتشاشات ایران	۱۲
القای بزدلی مسئولان حکومتی و دینی کشور	۱۳
فقر و فلاکت مردم، ریشه اغتشاشات	۱۴
سانسور و سرکوب اغتشاشات توسط حاکمیت ایران	۱۵
تسری اغتشاشات به خارج از کشور علیه حاکمیت ایران	۱۶
خشونت شدید حکومت در برخورد با معترضان	۱۷

همان‌طور که در جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود، مضامین ۱۷ گانه فوق، دربرگیرنده همه ۴۰۰ مضمون استخراج‌شده در مرحله اول کدگذاری است. نکته‌ای که باید در مورد مضامین بالا اشاره کرد این است که سعی شده در این مرحله، عیناً الفاظی که در مضامین پایه بیان‌شده آورده شود تا خواننده بتواند تحلیل دقیق‌تری از متون اولیه داشته باشد. همان‌طور که قبلاً نیز بیان شد در این مرحله، تعداد تکرار مضمون‌هایی که در مرحله کدگذاری توصیفی مورد تحلیل قرار گرفتند، نقش مهمی در رسیدن به این مضامین سازمان‌دهنده دارد و به‌نوعی حاکی از اهمیت بیشتر مضامین تکرار شده است. به‌عبارت‌دیگر، هرچقدر یک مضمون در مرحله توصیفی، تکرار بیشتری داشته باشد، احتمال آنکه در مضامین سازمان‌دهنده پژوهش جای گیرد، بیشتر خواهد بود. طبعاً مضامینی که تعداد تکرار کمتری داشتند، از مرحله کدگذاری تفسیری و تبدیل شدن به مضامین سازمان‌دهنده کنار گذاشته شدند.

اما در مرحله آخر کدگذاری به مضامین فراگیر و یا یکپارچه‌ساز می‌رسیم که در واقع اصلی‌ترین مضامین پژوهش بوده و ارکان دیپلماسی سایبری عربستان در مواجهه با ایران را شکل می‌دهند؛ این مضامین به شرح ذیل است:

جدول ۳. آمار مضامین پژوهش

عنوان	تعداد
توییت‌های بررسی شده	۲۱۰۰
مضامین پایه	۱۸۲
مضامین سازمان‌دهنده	۱۷
مضامین فراگیر	۵

۱-۵. تأکید بر واگرایی هویت‌های قومی و مذهبی در ایران

یکی از مهمترین مضامین مطرح شده در توییت‌ها که تکرار بسیار زیاد و چشمگیری داشته است، تأکید بر واگرایی هویت‌های قومی و مذهبی در ایران است. در این محور، کاربران سعودی توییت‌هایی را مخابره کرده‌اند که به منظور ایجاد دودستگی میان هویت ایرانی و هویت‌های محلی کشور نوشته شده‌اند. در این میان، شهرهای مناطق مرزی و همچنین شهرهایی که اقلیت‌های دینی در آنها زندگی می‌کنند، جایگاه پررنگ‌تری دارند. برای نمونه، برخی توییت‌ها در زیر آورده شده است:

وسائل إعلام إيرانية: مقتل ۳ ضباط من قوات الشرطة الإيرانية إثر اشتباكات مسلحة في مدينة "خاش" بمحافظة #بلوشستان #مظاهرات_ایران #تظاهرات_سراسری #الشعب_الایرانی_یتنفض

ترجمه: کشته شدن ۳ افسر از نیروهای امنیتی ایرانی در اثر درگیری‌های مسلحانه در شهر "خاش" استان بلوچستان

این توییت توسط شبکه خبری وصال عربستان مخابره شده است و همان‌طور که ملاحظه می‌شود، بدون ذکر منبع مشخص، از کشته شدن پلیس‌های ایرانی در شهر خاش سیستان و بلوچستان خبر داده است؛ شبکه وصال یکی از شبکه‌های اصلی دولتی در عربستان بوده که رویکردهای رادیکال وهابی و ضد شیعی دارد و نزدیک به ۱ میلیون نفر دنبال‌کننده در توییتر دارد؛ با استفاده از نظریه ساخت اجتماعی واقعیت می‌توان استنباط کرد که هرچه کاربران به فعالیت بازتابانه و مشارکت‌جویانه

در شبکه‌های اجتماعی پردازند، بیشتر در تولید معنا سهیم می‌شوند و از همین رو احتمال تأثیرپذیری آنها بیشتر است. ریتوییت و لایک کردن چنین اخباری، به ساخت‌مندی اجتماعی واقعیت اغتشاشات در ایران منجر می‌شود؛ به طوری که آگاهی اجتماعی از طریق این رسانه‌های مجازی شکل می‌گیرد؛ زیرا همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره شد، «افراد معرفتی را که بر اساس آن، واقعیت اجتماعی خویش را بنیان می‌نهند از چهار منبع اخذ می‌کنند که رسانه‌ها در میان منابع معرفت، نقش کلیدی دارند» (مهدی‌زاده، ۱۳۹۳، ص. ۸۴).

در این محور همچنین تحریک احساسات مذهبی هم‌وطنان اهل سنت، نقش پررنگی در دیپلماسی سایبری عربستان ایفا می‌کند؛ به طوری که بسیاری از توییت‌های ارسال‌شده، اغتشاشات در میان اهل سنت را بسیار جدی‌تر از سایر اقشار جلوه می‌دهد:

الحکومه الإیرانیة تلزم خطباء الجوامع السنیة غدا الجمعة بالخطاب ضد الحراک الشعبي و إسکات الجموع الغاضبة.

#مظاهرات_ایران

ترجمه: دولت ایران ائمه جمعه مساجد اهل سنت را ملزم به سخنرانی برضد جنبش مردمی و ساکت کردن جمعیت خشمگین کرده است.

در میان مضامین پایه در این محور، سهم قابل‌توجهی از مضامین خطاب به اقوام عرب ایرانی در استان خوزستان نوشته شده که به نسبت بیش از سایر اقوام بوده است. این تأکید نشان می‌دهد که در دیپلماسی سایبری عربستان علیه ایران، سرمایه‌گذاری ویژه‌ای از سوی سعودی‌ها برای تحریک عواطف قومی هم‌وطنان عرب‌زبان ایران صورت گرفته است؛ اساساً سایبر دیپلماسی با برقراری روابط مبتنی بر اعتماد، هم‌فکری و هم‌دردی با مخاطبان مردمی خارج از کشور، انجام هم‌زمان چند ابتکار دیپلماتیک را تسهیل کرده و برای دولت‌ها موقعیت بین‌المللی قوی‌ای فراهم می‌آورد. کشور طراح سایبردیپلماسی با بهره‌گیری از ایجاد رابطه عاطفی با مخاطبان خارجی، راحت‌تر یک طرح بین‌المللی را در جهت کسب امتیازات ملی

خود طراحی و اجرا و پیامدهای بین‌المللی آن را برداشت می‌کند؛ برای مثال، چند نمونه از توییت‌های ارسال‌شده در این رابطه در ذیل آورده شده است:

#عاجل_همسایه | متظاهرون أحواز یون يحاصرون سيارات عناصر
#الحرس_الثوری. الأحواز_العربیة_تنتفض #مظاهرات_ایران #تظاهرات_سراسری
#یحدث_الآن_فی_ایران #همسایه

ترجمه: معترضان اهوازی ماشین‌های نیروهای سپاه پاسداران را محاصره کرده‌اند.

اهواز عربی به پا می‌خیزد.

شاید اشاره به این مطلب نیز مفید باشد که توییت مذکور، توسط حسابی به نام «همسایه» مخبره شده است؛ همسایه در واقع حساب رسمی برنامه‌ای تلویزیونی در عربستان با بیش از ۳۳ هزار دنبال‌کننده است که اختصاصاً به موضوعات مربوط به ایران می‌پردازد و روزهای شنبه و دوشنبه از شبکه الإخباریه عربستان پخش می‌شود. توییت دیگر از سوی شخصی سعودی به نام فهد بن محمد عبداللطیف با بیش از ۴۷ هزار دنبال‌کننده ارسال شده و دقیقاً همین رویکرد در جملات وی دیده می‌شود:

نحن كشعوب خلیجیة و عربیة نتضامن مع أهلنا فی #الاحواز ونتمنی لهم تحقیق
استقلالهم و اعلان دولتهم #عربستان و تتحرر من #نظام_الملائی و قریباً ان شاء الله
ستكون هذه الدولة جارتنا و من ضمن منظومة #الخليج_العربی. #مظاهرات_ایران
#مظاهرات_سراسری #الاحواز_العربیة_المحتلة #الاحواز_عربیة

ترجمه: ما به عنوان ملت‌های عربی خلیج [فارس] از عزیزانمان در اهواز پشتیبانی کرده و آرزوی استقلال و اعلام کشور مستقلشان با عنوان عربستان را داریم. امیدواریم به‌زودی از [شر] نظام آخوندی خلاص شده و با ما همسایه شوند و در ضمن کشورهای عضو خلیج عربی قرار گیرند.

نمونه دیگر از توییت‌های ارسال‌شده در مورد اقوام عرب ایرانی، مثال زیر است:

أبطال احواز یون ینزلون العلم الایرانی الفارسی و یرفعون الکوفیة الحمراء رمزا
لعروبتهم #الملک_سلمان #محمد_بن_سلمان #مظاهرات_ایران

ترجمه: دلاوران اهوازی پرچم فارسی ایران را پایین کشیده و [به جای آن] چفیه قرمز را به عنوان نماد عربیت خود بالا می‌برند.

این موارد و نمونه‌ها که تنها بخش کوچکی از صدها نمونه موجود در بخش مضامین پایه این پژوهش است. در واقع مصداق تمام و کمال «ارتباط خود انگیز»^۱ در نظریه کاستلز است که شخص با استفاده از شبکه‌های رایانه به رایانه و ارتباط اینترنتی، پیام خود را به انبوهی از مخاطبان بالقوه می‌رساند؛ به طوری که در جامعه شبکه‌ای، شخص با استفاده از بسترهای ارتباطی که ارتباط افقی را میسر می‌سازند به انتشار دانش و اطلاعات مبادرت ورزیده و خودش نیز از همین طریق به کسب آگاهی می‌پردازد. از سوی دیگر، بر اساس نظریه ساخت اجتماعی واقعیت، افراد بخش کوچکی از رویدادها جهان را از طریق ارتباطات رودررو کسب می‌کنند و بخش بسیار بزرگی از واقعیت و آگاهی فردی را از طریق تعامل با رسانه‌ها به خصوص شبکه‌های مجازی مانند توییتر به دست می‌آورند؛ بدین ترتیب، فراواقعیت‌ها جای خود را به واقعیت‌ها داده و این ارتباطات سایبرنتیک است که تعیین‌کننده ذهنیت‌ها در مورد واقعیت است.

۵-۲. القای شدت اغتشاشات در شهرهای مذهبی و حکومتی

دومین محور دیپلماسی سایبری عربستان سعودی علیه ایران در اغتشاشات دی ماه ۹۶، القای این مطلب بود که اغتشاشات علیه نظام حاکمیت در ایران در شهرهای مذهبی مانند قم و مشهد و یا شهرهایی که سران نظام به آن منسوب هستند، شدت و قوت بیشتری داشته است؛ شهرهایی مانند تهران، خمین و رفسنجان از جمله آنهاست. بدیهی است عربستان سعودی با این کار، به دنبال القای این مطلب است که «سرمایه اجتماعی» نظام حاکم در ایران در شهرهایی که به ظاهر وابستگی بیشتری به نظام داشته و نفوذ عناصر سیاسی در آن بیشتر است به شدت رو به افول بوده و به طریق اولی در سایر شهرها اوضاع وخیم‌تر است؛ در این محور نیز همچون محور قبلی، تلاش برای انعکاس اخبار غیرواقعی در کنار اخبار واقعی به منظور ساخت

اجتماعی واقعیت است که فرآیند آن سابقاً بیان شد. (هرچقدر کاربران بیشتر در تولید معنا سهیم شوند، احتمال تأثیرپذیری آنها از اخبار بیشتر است).

در زیر متن و ترجمه برخی توییت‌های مربوط به این محور آورده می‌شود:

من مسقط راس قاسم سلیمانی... کرمان المدینه الخامسة التي تخرق صور [آیه الله] خامنئی فی مظاهرات لیلیه

ترجمه: از محل ولادت قاسم سلیمانی: کرمان، پنجمین شهری است که تصاویر رهبر ایران را در تظاهرات شبانه پاره می‌کنند. (به همراه عکس)

در توییت بالا، کرمان به عنوان محل تولد سردار سلیمانی، فرمانده سپاه قدس جمهوری اسلامی ایران معرفی شده که در واقع با همان هدف القای افول سرمایه اجتماعی حاکمان بیان شده است. دو توییت بعدی نیز مطالبی مشابه را بیان می‌کنند:

عندما تصل المظاهرات ل #قم- مدینه رجال الدین والحوزات العلمیه فی #ایران

ترجمه: تظاهرات به شهر قم، شهر مردان دین و حوزه‌های علمیه در ایران رسیده است.

یحدث_الان_فی_ایران: خروج مظاهرات ضد نظام خامنئی فی مسقط رأس الخمینی فی مدینه #خمین و هی مدینه تقع فی وسط محافظه مرکزی

ترجمه: هم‌اکنون در ایران: تظاهرات برضد رهبر ایران در شهر خمین، محل تولد آیت‌الله خمینی؛ این شهر در استان مرکزی قرار دارد.

۳-۵. نارضایتی از کنشگری منطقه‌ای ایران

یکی از اساسی‌ترین و پرتکرارترین مفاهیم در توییت‌های ارسال شده توسط کاربران سعودی، نارضایتی از فعالیت و نفوذ ایران در میان کشورهای منطقه است؛ به طوری که کنشگری ایران را تهدیدی برای حاکمیت کشورهای عربی دانسته و سایر کاربران عرب‌زبان را نسبت به این مسئله به واکنش تشویق می‌کردند؛ این خشم و نارضایتی به اینجا محدود نمی‌شود؛ بلکه دامان متحدان استراتژیک ایران را

نیز می‌گیرد؛ کشورهایی همچون لبنان، سوریه، عراق و قطر از آماج این حملات بی‌نصیب نبوده و حتی به رسانه‌های این کشورها مانند الجزیره قطر به شدت تاخته شده است. نکته جالب توجه اینکه در بسیاری از توییت‌های ارسالی در این زمینه از حمایت‌های مالی کشورهای مذکور از ایران نامبرده شده که اساساً واقعیت نداشته و صرفاً به منظور «واقعیت‌سازی» اجتماعی که پدیده‌ای برساختی است بیان شده‌اند؛ در ادامه به برخی از این توییت‌ها اشاره می‌شود:

فی الوقت الذی یعیش جزء کبیر من شعب #ایران تحت خط الفقر، یبدد النظام #الإیرانی ثروات شعبه فی دعم الحركات العنيفة و #الإرهابیة فی #العراق و #لبنان و #سوریا و #لیمن و #مصر ودول اخرى فی #الشرق_الأوسط وخارجہ
ترجمه:

درحالی‌که بخش زیادی از مردم ایران زیر خط فقر زندگی می‌کنند، حکومت ایران ثروت‌های ملی‌اش را در حمایت از جنبش‌های خشونت‌طلب و تروریستی در عراق و لبنان و سوریه و یمن و مصر و سایر کشورها در خاورمیانه و بیرون از آن مصرف می‌کند.

لو كانت #مظاهرات_ایران حصلت فی #السعودیه لرأینا قنوات #الجزیره تخصص لی التغطیات المباشرة وتستجلب الرویضات من کل فج عمیق!
ترجمه:

اگر تظاهرات فعلی در ایران در عربستان سعودی اتفاق می‌افتاد، شاهد آن می‌بودیم که پوشش مستقیم از اغتشاشات انجام می‌داد و همه اخبار ریزودرشت را پوشش می‌داد.

اما همان‌طور که اشاره شد، این توییت‌ها، صرفاً محدود به خود ایران نبوده و برخی رسانه‌های عربی که تا حدی با ایران همسو بوده‌اند نیز مورد انتقاد قرار گرفته‌اند؛ در این میان، شبکه الجزیره قطر سهم بیشتری از انتقادات را به خود اختصاص داده است و به جرئت می‌توان گفت تعداد بیشترین تعداد توییت‌ها (بالغ بر ۵۰ توییت) در میان توییت‌های موجود در این زمینه، به تخطئه عملکرد

الجزیره مربوط بوده است؛ البته این اتفاق، به دلیل افزایش تنش‌ها میان قطر و عربستان در دو سال اخیر دور از انتظار نیست؛ حکومت قطر نیز به‌عنوان «دیگری» جدید عربستانی‌ها مورد حملات کاربران قرار گرفته است؛ برای مثال توییت زیر از میان ده‌ها توییت مشابه انتخاب شده است:

تمیم یتعهد بدفع ملیاری دولار لنظام الملائی لإخماد مظاهرات الشعب الإیرانی و یرسل السیارات لقمع المتظاهرین.

ترجمه:

تمیم [امیر قطر] مسئولیت پرداخت دو میلیارد دلار به حکومت ایران برای سرکوب تظاهرات مردمی را تقبل کرده و خودروهایی را برای کشتار تظاهرکنندگان ارسال نمود.

همان‌طور که نظریه ساخت اجتماعی واقعیت اشاره دارد، رسانه‌ها صورت‌بندی‌های اجتماعی و تاریخ را از رهگذر چارچوب‌سازی ایماژها و تصاویر از واقعیت، در قالب اخبار و گزارش‌های خبری و در شیوه‌های قابل پیش‌بینی شکل می‌دهند (مک‌کوئیل، ۲۰۰۶، ص. ۴۶۱). به همین جهت، دیپلماسی سایبری سعودی صورت‌بندی‌هایی را که مطلوب خود می‌داند از طریق این توییت‌ها می‌سازد و با بهره‌گیری از برخی ایماژها که لزوماً واقعی هم نیستند، مخاطبان را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند. چراکه در این رویکرد، دانش و آگاهی چیزی نیست که کشف شود، بلکه چیزی است که ساخته می‌شود (مهدی‌زاده، ۱۳۹۳، ص. ۸۴).

۵-۴. تخریب جایگاه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

یکی دیگر از مضامین فراگیر این پژوهش که در واقع چهارمین محور از محورهای دیپلماسی سایبری عربستان سعودی علیه جمهوری اسلامی ایران است، حمله به نهاد سپاه پاسداران انقلاب است. این امر، هم شامل حمله به چهره‌های شاخص و فرماندهان ارشد است و هم ناظر به عملکرد سپاه در ایام اغتشاشات است؛ البته

تمرکز اصلی توییت‌ها در این بخش، بر خشونت این نهاد علیه اغتشاشگران معطوف است. یکی از صدها توییت با این مضمون مثال زیر است:

من هتافات ایرانیین الأحرار: الموت للحرس الثوری، سأقتل من قتل أخی
ترجمه:

شعار ایرانیان: مرگ بر سپاه! میکشم میکشم آنکه برادرم کشت...

مظاهرات_ ایران تزداد اتساعاً بعد مقتل العشرات من المتظاهرين علی يد
منظمة الحرس الثوری الإرهابی
ترجمه :

تظاهرات در ایران پس از کشته شدن ده‌ها تن از تظاهرکنندگان به دست نیروهای تروریست سپاه پاسداران گسترش یافت.

اما یکی از مضامینی که در توییت‌ها تکرار زیادی داشته و در این محور قابل طرح است، القای وجود افتراق و اختلاف میان نیروهای مسلح ایران و به ویژه میان ارتش و سپاه است؛ به طوری که درصدد بیان این مطلب است که ارتش در کنار صفوف اغتشاشگران بوده و سپاه در مقابل آنها قرار دارد؛ یکی از مثال‌های این امر، توییت زیر است:

الجيش الإيراني يحذر الحرس الثوری بعدم التدخل أو التصرف ضد الشعب
الإیرانی وحذر فیما إذا أقدم علی أية خطوة فإن الجيش سيقف مع الشعب
لحمایته

ترجمه:

ارتش ایران به سپاه پاسداران نسبت به انجام رفتاری بر ضد مردم هشدار داد و تأکید کرد در صورتی که گامی علیه مردم ایران بردارد، ارتش در کنار مردم خواهد بود.

البته محور حاضر با محور اول که بالاتر بیان شد کاملاً مرتبط است؛ یعنی عملکرد سپاه پاسداران در مواجهه با هویت‌های قومی و مذهبی مختلف مانند اهل سنت یا عرب‌زبانان را بیشتر مورد توجه قرار داده است؛ یکی از مثال‌های این امر، توییت زیر است:

#یحدث_الان_فی_ایران_ابناء #الأحواز يحتلون كل بنوك الحرس الثوری
الإیرانی ومنهم هذا البنك بنك "ملی" فی سوق عبدالحمید (نادری)
ترجمه:

جوانان اهواز کلیه بانک‌های متعلق به سپاه پاسداران و از جمله بانک ملی در
بازار نادری اهواز را تصرف کردند.

همچنین یکی از مفاهیم مهم دیگر در این محور، جدایی نیروهای سپاهی از
این نهاد و پیوستن به صفوف اغتشاشگران است که عمدتاً این مفهوم با عکسی
الصاق شده که در آن عکسی از کارت پرسنلی در حال سوزانده شدن توسط
صاحب آن است و البته عمدتاً تصویر شخص سوزانده مشخص نیست. این
مفهوم به دلیل امکان «خود تولیدی» در جوامع شبکه‌ای، تکرار و گستره زیادی
داشته است؛ همان‌طور که در بخش نظری هم بیان شد، ارتباطات خودگزین در
محتوا «خود-تولید» و در پخش «خود-گردان» است؛ ارتباط جمعی خودانگیز که
با استفاده از شبکه‌های رایانه به رایانه و ارتباط اینترنتی، پیام خود را به انبوهی از
مخاطبان بالقوه می‌رساند، ماهیتی به شبکه‌های اجتماعی عطا می‌کند که کاربر به
دلیل امکان «خود تولیدی»، به سرعت و سهولت به تولید محتوای مدنظر خود
می‌پردازد و از آن‌سو، دیگر کاربران به صورت «خودگردان» آن را در ابعاد
گسترده توزیع کرده و نهایتاً مخاطبان به صورت انتخابی، پیام‌های مدنظر خود را
انتخاب و «مصرف» می‌کنند (Castelles, ۲۰۰۷, p.۱۵۵).

۵-۵. القای بی‌کفایتی نظام حاکمیت ایران در حل بحران‌های داخلی

پنجمین و آخرین محور از محورهای دیپلماسی سایبر سعودی، القای این نکته
است که نظام حاکم در ایران از حل بحران‌های درون کشور ناتوان است. حتی
برخی توییت‌ها به این مطلب اشاره کرده‌اند که مسئولان دولتی یا حکومتی به
صورت ناشناس در حال فرار از کشور هستند؛ البته بسیاری از این توییت‌ها توسط
برخی دیگر از کاربران مورد استهزاء قرار می‌گرفت؛ چراکه برای مثال در همان

روز تصاویر زنده از همان افرادی که سعودی مدعی فرار آنها شده بود در رسانه های مختلف پخش می شد. برخی از نمونه های این مضامین عبارت است از:
هروب السلطات الإيرانية ذکرت مصادر إخبارية فی مطار طهران قبل دقائق أن طائرة إيرانية أخرى لم تذكر اسمها غادرت المطار الدولي
ترجمه:

فرار مسئولان ایرانی؛ منابع خبری در فرودگاه تهران دقایقی پیش خبر دادند هواپیمایی ایرانی که نامش فاش نشد، فرودگاه بین المللی تهران را ترک کرد.

همان طور که بیان شد، میان مضامین فراگیر در این پژوهش، نوعی ارتباط شبکه ای برقرار است؛ بدان معنا که هر محور می تواند شامل مضامینی باشد که با مضامین محورهای دیگر دارای هم افزایی و ارتباط است. برای مثال به توییت زیر توجه نمایید که هم به محور قبلی مرتبط بوده و هم ذیل محور پنجم قرار می گیرد:

النظام الايراني فقد الثقة بالحرس الثوري فاستعان بالمرتزقة الافغان والحشد الشعبي العراقي كي يواجه الغضب الشعبي:

ترجمه:

حکومت ایران اعتماد خود به سپاه پاسداران را ازدست داده است؛ لذا از نیروهای افغانی و حشدالشعبی عراق برای مقابله با خشم مردم استفاده می کند.

درواقع در این محور، هدف اصلی آن است که با ارجاع مشکلات به نوع نظام حاکمیت در ایران، نارضایتی مردمی از نظام سیاسی را افزایش داده و آن را ناکارآمد جلوه دهد؛ برای مثال به توییت زیر توجه نمایید:

شعب # ایران من حقه الأمن والاستقرار وأن يعيش فی رفاهية وأمان ککل الشعوب لکن نظام # الملالي جعله يعيش فی رعب وحروب وخوف وفقر والمواطن الإيراني فی الأغلب صار مکروه أ فی الدول العربية والإسلامية بسبب ممارسات نظام "ولاية الفقيه" الإرهابية والعنصرية والطائفية.

ترجمه: ملت ایران حق دارد همانند سایر ملت‌ها در امنیت و آرامش و رفاه زندگی کند؛ اما نظام آخوندی ایران مردمش را در ترس و وحشت و فقر و جنگ قرار داده و ملت ایران عمدتاً به دلیل عملکرد نظام ولایت فقیه تروریست و نژادپرست و فرقه‌گرا، نسبت به کشورهای عربی و مسلمان حس ناخوشایندی دارند.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، بیان نوعی دلسوزی نسبت به وضعیت اقتصادی ایران در کنار بیان عبارات طعنه-آمیز، مشکلات را به نوع حاکمیت سیاسی در ایران معطوف کرده و آن را مسبب مشکلات می‌داند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

دیپلماسی در این مقاله فن تعامل با سایر کشورها تعریف شده است که این فن از ابزارهای مختلفی همچون رسانه و فضای سایبری بهره می‌گیرد. در این مقاله از آنجاکه مورد مطالعه، اغتشاشات دی‌ماه ۹۶ در ایران و در شبکه اجتماعی توییتر بوده است دیپلماسی سایبری انتخاب و مورد بررسی قرار گرفته است.

دیپلماسی نوین، بیش‌ازپیش زمینه حضور مردم در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی را فراهم ساخته است. با گسترش فناوری‌های ارتباطی، کنشگری مردم در حوزه‌های بین‌المللی نیز جدی شده است؛ دیپلماسی سایبری عربستان سعودی یکی از مصادیق این امر است. با توجه به اینکه بر اساس آمار، عربستان در میان کشورهای خارجی، بالاترین آمار را در ارسال پیام‌های توییتری پیرامون موضوع مورد مطالعه را داشته است (بیش از ۲۶ درصد). لذا تمرکز این مقاله بر دیپلماسی سایبری عربستان قرار گرفت. عربستان با سرمایه‌گذاری ویژه در حوزه جنگ نرم و فضای سایبری، مقابله با رقبای خود را در این فضا دوشادوش حوزه‌های دیگر پیش می‌برد؛ ابعاد منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای اغتشاشات دی‌ماه سال ۱۳۹۶ در ایران ابتدائاً چندان نمایان نبود، اما پس از گذشت چند روز، توییتر عرصه جولان افراد و نهادهای فعال دیپلماسی عربستان علیه جمهوری اسلامی ایران شد. جامعه شبکه‌ای که به لطف ظهور فناوری‌های نوین ارتباطی شکل گرفته است، این جنگ سایبرنتیک را جدی‌تر

از هر زمانی در گذشته نمود؛ به طوری که در جوامع شبکه‌ای، هر کاربر خود می‌تواند علاوه بر مصرف پیام، به تولیدکننده و توزیع‌کننده پیام نیز تبدیل شود و قدرت جریانی را تولید یا بازتولید نماید. درست همانند موضوع این پژوهش که کاربران توییتری با استفاده از فناوری‌های نوین، محتوای مورد نظر خود را به صورت افقی گسترش داده و با راه‌اندازی جریانی قدرتمند، برای قدرت‌های رسمی چالش ایجاد نمودند. همان چیزی که شاید بتوان آن را هدف اصلی دیپلماسی سعودی در قبال ایران قلمداد کرد. برای رسیدن به اینکه دیپلماسی سایبری عربستان علیه ایران در واقعه مذکور چگونه شکل گرفته است ابتدا در بازه زمانی مشخصی تلاش شد تمامی توییت‌های مرتبط با موضوع استخراج شود که چیزی در حدود ۲۱۰۰ توییت بود (البته این عدد فقط برای یک هفته است). بعد از مشاهده جزئی‌تر توییت‌ها روش پژوهش انتخاب گردید که با توجه به اینکه هر توییتی یک مضمون و تم خاصی را هدایت می‌کرد، روش کیفی تحلیل مضمون برای انجام پژوهش انتخاب و پیاده‌سازی گردید.

کدگذاری در روش تحلیل مضمون بر اساس سه گانه کدگذاری پایه، سازمان-دهنده و فراگیر انجام پذیرفت که بیش از ۱۸۰ مضمون پایه، ۱۷ مضمون سازمان-دهنده و نهایتاً ۵ مضمون فراگیر به دست آمد که در واقع مضامین فراگیر، همان محورهای اصلی دیپلماسی سایبری عربستان را شکل می‌دهند؛ این ۵ مضمون فراگیر عبارت‌اند از:

۱. تأکید بر واگرایی هویت‌های قومی و مذهبی در ایران

این دسته از توییت‌ها به منظور ایجاد دو دستگی میان هویت ایرانی و هویت‌های محلی کشور نوشته شده‌اند. در این میان، شهرهای مناطق مرزی و همچنین شهرهایی که اقلیت‌های دینی در آنها زندگی می‌کنند، جایگاه پررنگ‌تری دارند.

۲. القای شدت اغتشاشات در شهرهای مذهبی و حکومتی

هدف از این دسته توییت‌ها القای این مطلب بود که اغتشاشات علیه نظام حاکمیت در ایران در شهرهای مذهبی مانند قم و مشهد و یا شهرهایی که سران نظام به آن

منسوب هستند، شدت و قوت بیشتری داشته است؛ در واقع عربستان به دنبال بیان این موضوع است که «سرمایه اجتماعی» نظام حاکم در ایران در شهرهایی که به ظاهر وابستگی بیشتری به نظام داشته و نفوذ عناصر سیاسی در آن بیشتر است به شدت رو به افول بوده و به طریق اولی در سایر شهرها اوضاع وخیم تر است.

۳. نارضایتی از کنشگری منطقه‌ای ایران

توییت‌های این محور، کنشگری ایران را تهدیدی برای حاکمیت کشورهای عربی دانسته و سایر کاربران عرب‌زبان را نسبت به این مسئله به واکنش (منفی) تشویق می‌کردند.

۴. تخریب جایگاه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

توییت‌های این محور، این امر، هم شامل حمله به چهره‌های شاخص و فرماندهان ارشد و هم ناظر به عملکرد سپاه در ایام اغتشاشات است؛ البته تمرکز اصلی توییت‌ها در این بخش، بر برجسته‌سازی خشونت این نهاد علیه اغتشاشگران معطوف است.

۵. القای بی‌کفایتی نظام حاکمیت ایران در حل بحران‌های داخلی

پنجمین و آخرین محور از محورهای دیپلماسی سایبر سعودی، القای این نکته است که نظام حاکم در ایران از حل بحران‌های درون کشور ناتوان است. برخی توییت‌ها به این مطلب اشاره کرده‌اند که مسئولان دولتی یا حکومتی به‌صورت ناشناس در حال فرار از کشور هستند.

اما این پژوهش همچنین نشان می‌دهد که فضای جدیدی که در عرصه دیپلماسی ایجاد شده همچون شمشیری دولبه است؛ هم می‌تواند در خدمت اهداف دیپلماسی کشور قرار گیرد و هم می‌تواند به آفتی برای سرمایه اجتماعی یک نظام تبدیل شود؛ آنچه در این میان تعیین‌کننده خواهد بود، فراهم ساختن زمینه‌های حضور مردم به‌عنوان کنشگران فعال و اثرگذار در جهت اهداف دیپلماسی کشور در کنار روشنگری حداکثری نهاد های فرهنگی و سیاسی است. از سوی دیگر، تقابل با دیپلماسی سایبری کشورهای دیگر که بر ضد منافع ایران اعمال می‌شود، یقیناً کار

ساده‌ای نیست و صرفاً توسط دیپلماسی رسمی ممکن نخواهد بود؛ چراکه بر اساس نظریه کاستلز، در جامعه شبکه‌ای، «قدرت جریان‌ها» از «جریان‌های قدرت» پیشی می‌گیرد. نتایج به‌دست‌آمده از تحقیق پورحسن (۱۳۹۰) نیز نشان داد که در دیپلماسی عمومی مدرن، طیف گسترده‌ای از افراد با عضویت در شبکه‌های اجتماعی می‌توانند در حوزه دفاع از منافع و امنیت ملی کشور خود ایفای نقش کنند. اگر در دیپلماسی رسمی، بین نمایندگان رسمی دولت‌ها، رابطه برقرار می‌شود و در دیپلماسی عمومی سنتی، یک دولت، گروه‌ها، سازمان‌ها و افراد جامعه خاصی را مخاطب قرار می‌دهد، در دیپلماسی عمومی مدرن، شبکه گسترده‌ای از افراد در دو جامعه و یا در عرصه بین‌المللی یکدیگر و حتی دیگران را مخاطب قرار می‌دهند (زیباکلام، ۱۳۹۵، ص. ۱۰۹). بنابراین، در دیپلماسی عمومی و به‌ویژه دیپلماسی سایبری، استفاده از ظرفیت‌های مردمی برای احقاق اهداف دیپلماتیک یک کشور، یقیناً راهگشا و مؤثر خواهد بود. چیزی که شاید بتوان آن را «مردمی‌سازی دیپلماسی» نامید. ارتباطات خودگزین در جوامع شبکه‌ای، به پیدایش رسانه‌ای خارق‌العاده برای جنبش‌های اجتماعی و جریان‌های اعتراضی منجر می‌شود تا به‌واسطه آن به استقلال دست یابند و در مقابل نهادهای جامعه با روش‌های خود بایستند. بی‌تردید این امر یک تهدید نیست؛ بلکه فرصتی برای دیپلماسی عمومی ایران در سایر کشورها برای اثرگذاری بیشتر و بهتر است.

نکته مهم دیگر که در پایان باید به آن اشاره کرد این است که حضور خبری مردم از طریق اینترنت در محیط هوشمند نوین رسانه‌ای، فضای حاکم خبری را تغییر داده است. به‌نحوی که مردم به اردوگاه خاص خود در قبال اردوگاه‌های گفتمان‌های رسمی حاکم خبری دست یافته‌اند و به دیگر سخن، فضای خبری حالا غیررسمی‌تر شده است. چراکه اکنون تقریباً در برابر هر روایت رسمی یک روایت مردمی غیررسمی نیز شکل می‌گیرد و این به مفهوم گسترش و نفوذ گستره همگانی در حوزه گستره روزنامه‌نگاری سنتی است (خرازی، ۱۳۹۰، ص. ۶۹). لذا تربیت نخبگانی که به آرمان‌ها و ارزش‌های گفتمان جمهوری اسلامی معتقد بوده و

ازسوی دیگر، دانش و تخصص لازم را در این حوزه دارند، برای استفاده از این ظرفیت ضروری است.

کتابنامه

- ایزدی فرد، علی اکبر؛ حسین نژاد، سیدمجتبی (۱۳۹۴). بررسی فقهی امر به معروف و نهی از منکر در فضای مجازی. *مجله حکومت اسلامی*، دوره بیستم، شماره ۷۷.
- بودریار، ژان (۱۳۸۱). *در سایه اکثریت‌های خاموش*. (پیام یزدان جو، مترجم) تهران: مرکز.
- پورحسن، ناصر (۱۳۹۰). *دیپلماسی عمومی نوین و دفاع همه‌جانبه*. فصلنامه راهبرد دفاعی، دوره نهم، شماره ۳۳.
- حسن‌خانی، محمد (۱۳۸۴). *دیپلماسی فرهنگی و جایگاه آن در سیاست خارجی کشورها*. *مجله دانش سیاسی*، دوره اول، شماره ۲.
- حسن‌زاده، جواد (۱۳۹۴). *مفهوم مرز در فضای مجازی*. همایش بین‌المللی جغرافیا و توسعه پایدار، به صورت الکترونیکی، مؤسسه سفیران فرهنگی مبین، https://www.civilica.com/Paper-GEOGRA01-GEOGRA01_084.html
- خرازی آذر، رها (۱۳۹۲). *سایبر دیپلماسی در محیط هوشمند نوین رسانه‌ای*. فصلنامه رسانه، دوره بیست و چهارم، شماره ۹۰.
- زورق، محمدحسین (۱۳۸۶). *ارتباطات و آگاهی*. تهران: دانشکده صداوسیما.
- زیباکلام، صادق؛ عقیلی، سید وحید؛ قاضوی، سید فضل اله (۱۳۹۵). *نقش فضای سایبری در پیشبرد دیپلماسی عمومی مدرن*. *مطالعات میان‌رشته‌ای در رسانه و فرهنگ*، دوره ششم، شماره ۱۲.
- سعیدی، روح‌الامین (۱۳۸۸). *از دیپلماسی عمومی سنتی تا دیپلماسی عمومی نوین: رویکردی هابرماسی*. راهبرد، دوره بیست و دوم، شماره ۶۸.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۹۳). *قدرت ارتباطات*. (حسین بصیریان جهرمی، مترجم) تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰). *عصر اطلاعات، قدرت و هویت*. (حسین چاووشیان، مترجم) تهران: انتشارات طرح‌نو.
- کال، نیکولاس جی (۱۳۹۵). *دیپلماسی عمومی*. (معاونت پژوهش، مترجم) تهران: دانشکده اطلاعات و امنیت.

- کولایی، الهه؛ شکاری، حسن؛ احمدی‌نیا، مسعود (۱۳۹۲). دیپلماسی سایبری آمریکا (مطالعه موردی جمهوری آذربایجان). *فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز*، دوره بیست و دوم، شماره ۸۲.
- مک کوایل، دنیس (۱۳۸۸). *درآمدی بر نظریه ارتباطات جمعی*. (پرویز اجلالی، مترجم) تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- موسوی موحد، علی‌اکبر؛ کیانی بختیاری، ابوالفضل (۱۳۹۱). دیپلماسی علمی و فناوری. *نشریه نشاء علم*، سال دوم، شماره ۲.
- مهدی‌زاده، سیدمحمد (۱۳۸۹). *نظریه‌های رسانه. اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی*، تهران: همشهری.
- ولف، چارلز و روزن برایان (۱۳۸۴). دیپلماسی عمومی: بوسه مرگ. (علی گل محمدی، مترجم)، *ماهنامه اندیشه و تاریخ سیاسی معاصر ایران*، سال چهارم، اردیبهشت، شماره ۳۱.
- هادیان، ناصر؛ احدی، افسانه (۱۳۸۸). جایگاه مفهومی دیپلماسی عمومی. تهران: روابط خارجی، ۱۱۷، ۳-۸۵.
- Attride-Stirling, Jennifer, (2001). *Thematic networks: an analytic tool for qualitative research*. SAGE Publications (London, Thousand Oaks, CA and New Delhi), vol. 1(3).
- Braun, Virginia & Clarke, Victoria, (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, vol. 3.
- Barrinha, Andre & Renard, Thomas, (2018). Cyber-diplomacy: the making of an international society in the digital age. *Global Affairs*, Vol. 3.
- Castells, Manuel, (2007). Communication, Power and Counter-power in the Network Society. *International Journal of Communication*, vol.1.
- Dufrenne, Mikel & Discourse Figure, Klincksieck, (1971). (Thèse de Doctorat d'État, sous la direction de Mikel Dufrenne.)
- K. Hindell, (1995). The Influence of The Media on Foreign Policy. *International Relations*, vol. 12.
- M Grech, Olesya, (2006). Virtual Diplomacy, Diplomacy of the Digital Age. (A dissertation presented to the faculty of arts in the University of Malta for the degree of Master of Arts in contemporary Diplomacy. Malta: University of Malta.
- Smith, Gordon, (1997). Driving Diplomacy Into Cyberspace, the World Today. June. U.S. State Department (2000). U.S. Department of State Strategic Plan.

یادداشت

1. <http://gs.statcounter.com/social-media-stats/all/asia>

2. <https://www.trendsmap.com/>
3. Retweet
4. Favorite
5. Follower
6. Edmund Gullion
7. Fletcher School of Law and Diplomacy
8. Edward R. Murrow Center for Public Diplomacy
9. Nicholas J. Cull
10. Nicholas J. Cull: "Public Diplomacy before Gullion: the Evolution of a Phrase", 2008, available at: <http://uscpublicdiplomacy.org/index.php>
۱۱. برای اطلاعات بیشتر، ر.ک: خانی، محمدحسین (۱۳۸۴). دیپلماسی فرهنگی و جایگاه آن در سیاست خارجی کشورها.
12. Public Diplomacy
13. E-Diplomacy
14. Virtual Diplomacy
15. Mass Self-Communication
16. self-Generated
17. Self-Directed
18. Self-Selected
19. Thematic Analysis
20. Mass Self-Communication